

تشکیل کلاسهای آموزش زبان فارسی برای مبلغان مسیحی در هندوستان و اعزام آنان به شهر اصفهان و توزیع کتابها و جزوه‌های متعدد «در رد اسلام» در دوره مظفرالدین شاه قاجار در این شهر به وسیله مبلغان مسیحی، موجب شده که عالمان دین تدبیری بیندیشند و در صد خنثی کردن اقدامات آنان برآیند. پس از شور و مشورت، بنا بر پیشنهاد حجة الاسلام آقای حاج شیخ نور... ثقة الاسلام در جمادی الاخر ۱۳۲۰ هـ. ق «اداره دعوت اسلامیه» یا «صفاخانه اصفهان» را تأسیس کردند. یکی از اهداف تأسیس این اداره «مباحث و مناظره» با مبلغان مسیحی بود که مسؤلیت انجام آن را بر عهده سید محمد علی ملقب به داعی الاسلام گذاردند. او نیز به «مباحثه و مناظره» با مبلغان مسیحی پرداخت و مجله‌ای ماهانه به منظور آگاهی همگان از مشروح این گفتگوها انتشار داد.

نخستین شماره این مجله که از آن می‌توان به عنوان نخستین نشریه اسلامی ایران یاد کرد، در رمضان المبارک ۱۳۲۰ هجری قمری با خط نستعلیق و با چاپ سنگی منتشر شد. در سرلوحه این مجله عبارت «[سطر اول] ان الدین، عندا... [سطر دوم] الاسلام [سطر سوم] گفتگوی صفاخانه اصفهان» آمده است. بر بالای نخستین شماره این مجله که به الاسلام و یا گفتگوی صفاخانه اصفهان نامبردار شده است، آورده‌اند: «رسالة ۱ [،] سال اول [،] ماهی یک رساله طبع می‌شود [،] شهر رمضان المبارک سنه ۱۳۲۰ هجری مطابق سنه ۱۹۳۰ مسیحی». بر دو سوی عنوان این مجله نوشته شده است: «قیمت سالیانه همه جا یک تومان است». انگیزه انتشار این مجله، در بخشی از سرمقاله نخستین شماره آن این چنین آورده شده است: «... سالهاست دعوات عیسویه می‌گفتند که چرا اهل

اسلام جواب ما را نمی دهند با آنکه ما از دول فرنگستان ببلدان اسلامی می آییم و اداره دعوت مفتوح می نمایم کرورها در هر سال مخارج این کار می کنیم در هر سال کتب فراوان در رد اسلام طبع می کنیم و به دست اهل اسلام می دهیم از این جهت از غره شهر جمادی الاخر سنه ۱۳۲۰ در اصفهان به امر جناب مستطاب حاجی الشریعة الغزواء مروج المله البيضاء بملاذ الانام مروج الاحکام حجة الاسلام آقای حاجی شیخ نوراء... ثقة الاسلام دامت برکاته العالیه اداره دعوت اسلامی به مسیحیان و دعوت ایشان تحریر می شود و در این اوراق برای انتفاع مسیحیان و مسلمانان دور مندرج می گردد و امیدواریم کم کم دعوات اسلامی به ملک خارجه هم بفرستیم حجت را بر اهل جهان تمام کنیم. پس از پایان سرمقاله اعلانی به این شرح آورده شده است: «اعلان [۱] هر کس از مسیحیان در خصوص گفتگوهای مندرجه جوابی دارد به اداره صفاخانه بنویسد عین مکتوب او با کمال امتنان در اوراق مندرج می گردد. نخستین شماره این نشریه پس از مدتی نایاب شده است و چاپ دوم آن به منظور آگاهی اهالی اروپا و آمریکا و متقاضیان نشر در داخل کشور» به زیور طبع آراسته شده است. انگیزه ارسال نشریه را به تمام نقاط مختلف در چاپ دوم نخستین شماره این گونه آورده اند:

«چه ضرر دارد که ما مدعیان اسلام امر آیه مبارکه اذع الی سبیل ربک بالحکمة والموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن را امتثال کنیم و دعوات اسلامی به بلاد خارجه بفرستیم و ملل عالم را از استحکام و حقیقت دین مبین اسلام مطلع سازیم بخصوص در این زمانی که اهالی اروپا و آمریکا به نورانیت تمدن رسیده اند و در هر چیز به نظر بی طرفی می بینند و کلمات حقه و واقعیه را از روی انصاف قبول می کنند خوب است اهل ملت ما از اهل ملت نصرانیت غیرت و عصیت دین را یاد بگیرند و فواید اهمیت دعوت به دین و جواب دادن منکرین دین را از دست ندهند...»

به دنبال توزیع نخستین شماره این مجله در تهران و سایر شهرستانها، به امر حکومت وقت، این نشریه توقیف شده است. تلاش دست اندرکاران «اداره دعوت اسلامی» پس از حدود پنج ماه به نتیجه رسیده است و از آن رفع توقیف کرده اند. در صفحه سوم، رساله دوم این نشریه زیر عنوان «معدرت» نوشته اند: «مدتی بود که از جهت مصالح دولت و ملت از طرف دولت امر به تعویق طبع گفتگوی صفاخانه صادر شده بود و در این ایام مجدداً به طبع و انتشار آن امر و اجازت شده و یکتوب لباده ترمه نیز خلعت مرحمت شده است...»

پس از رفع توقیف، گرداندگان این نشریه سعی کرده اند که به وعده ترتیب انتشار ماهانه نشریه وفا کنند و شماره های عقب افتاده را جبران نمایند، در رساله پنجم، صفحه ۶۸ (شماره صفحات نشریه در طول یک سال پیاپی است) آورده اند: «اعلان از مشترکین عظام خواهشمندیم که در رساله بعد از این رساله یعنی در رساله ششم که نصف رسالات سال است قیمت سالیانه را بدهند و قبض رسید صفاخانه مبارکه بگیرند تا ما هم انشاء... تعالی رسالات ایام تعویق را بر سبیل توالی طبع نموده به مشترکین عظام برسانیم تا در اول رمضان که آخر سال اول است تمام دوازده نمره به

اتمام برسد و از ماه رمضان به نمره‌های سال دویم شروع نماییم.

از شواهد و قرائن برمی آید که گردانندگان این نشریه تمام سعی و اهتمام خود را کرده‌اند تا به این وعده وفا کنند. اما با انتشار دو شماره در یک ماه هم نتوانسته‌اند به این وعده جامه عمل ببوشانند. و دوازدهمین شماره نشریه را در شوال المکرم ۱۳۲۱ ق منتشر کرده‌اند. با انتشار شماره دوازدهم جمعاً ۱۹۲ صفحه به قطع ۲۱ × ۱۶ در سال اول از این نشریه منتشر شده است. نخستین شماره سال دوم این مجله در ذی‌العقده الحرام ۱۳۲۱ با همان خصوصیات طبع شده است. افزون بر آن «قیمت سالیانه» را «فقط در اصفهان یک تومان» تعیین کرده‌اند و از مشترکان نقاط دیگر «کرایه پست» مطالبه شده است. نخستین مطلب اولین شماره سال دوم این نشریه زیر عنوان مکتوب شهری اختصاص دارد به نامه حسن‌الحسینی ابن‌مرحوم امام جمعه قمشه، که به این شرح است:

«مکتوب شهری یا داعی الاسلام علیک التحیه و السلام و جزاک... عن ترویج الاسلام مدتی است روزنامه گفتگوی صفاخانه مبارکه که فیضش چون تابش خورشید عالم‌گیر و اثرش تصفیه ضمیر و در قلوب حامیان دین مبین بدر منیر است زیارت می‌شود و از اهتمامات آن عالم یگانه و حکیم فرزانه که فی‌الحقیقه خیر خواه ملت و دین و مروج شرع قویم متین است در جواب شبهات دعوات مسیحیه خیلی محفوظ و به نهایت مسرور می‌گردد عاشقان جمله به دیدار تو عاشق باشند من دلخسته به گفتار تو گشتم عاشق. بنده را بدان وجود مبارک ارادت و خلوص به خصوص و تشکر و امتنانی مخصوص است که فوق اظهارات رسمانه و خصوصیت‌های اهل زمانه است چگونه بنا شد و حال آنکه شایسته است به آن وجود شریف کلیه دانشمندان و عموم مسلمانان افتخار نمایند که با این زحمتهای بیکران نشر مطالب حقه با هزاران موانع داخلی و خارجی می‌فرمایند چنانچه تمام علماء و دانایان هم از این شمه پسندیده شما نهایت تشکر و امتنان را دارند دعای درد دین‌داران شب و روز به فیروزی تو است ای عالم افروز که به توجهات و تأییدات حضرت حجة عصر عجل... تعالی فرجه رونق این اداره بیش از پیش گردد و دعوات اسلامیه به همه جا برود به مضمون حدیث شریف اذا ظهرت فی الدین بدعة ولم یظهر العالم علمه فعلیه لعنة...

بر علماء اسلام رد شبهات دعوات عیسویه و جواب کتبی که در دست اهل اسلام دادند لازم و بر هر دین‌داری همراهی در ترقی و توسعه دعوت اسلامیه [لازم] است این احقر انشاء... بعضی نکات اهمیت این امر را بالایات و الاخبار بعد از این به مکاتبه به حضور تشریف انفاذ می‌دارم اگر صلاح می‌دانید درج کند شهر ذی‌العقده الحرام سنه ۱۳۲۱ حسن‌الحسینی ابن‌مرحوم امام جمعه قمشه». پس از این نامه زیر عنوان «الاسلام» آمده است: «چون مقصود ما این است که حقیقت اسلام را بر تمام اهل زمان واضح سازیم و به دستور العمل قرآن کلام... با کمال انصاف و مهربانی و ملائمت با ادله گفتگو می‌نماییم و حجت را بر اهل جهان تمام می‌کنیم از این جهت هر کس از هر ملت هر مقاله متعلق به گفتگوی دینی به اداره ارسال فرماید با کمال امتنان درج می‌گردد چه رسد به مقالاتی که از علما باشد.»

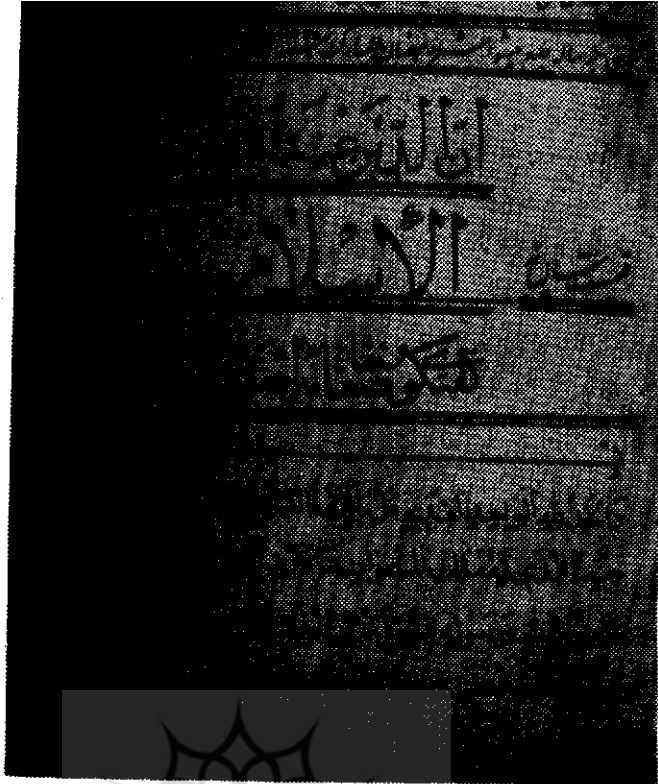
آنچه از یک تورق گذرا - پس از گفتگوها که اساس و فلسفه وجودی این نشریه را تشکیل می دهد - به چشم می خورد اعلانهایی است که خطاب به مشترکان این نشریه برای پرداخت حق اشتراک آمده است. نمونه این اعلانها در شماره دوم به این شرح است:

«اعلان:» چون بسیاری از مشترکین سال اول، پول پیشیز را بر دین عزیز مقدم داشته از ادای قلیل قیمت سالیانه ابا و انکار نمودند با اینکه از اغلب اکابر و یا تجار و یا اشراف بودند لااقل رسالات را هم مرتباً رد نکردند محض اینکه موجب یاس غیر تمندان نشود آنان را اسم نمی بریم لیکن در این سال وقت ادای قیمت سالیانه را در شماره بعد از این شماره یعنی شماره سوم قرار دادیم تا اگر داعی نخواستید معامله پیدا کردیم کمتر ضرر به اداره وارد آید و از آن شماره تکلیف معلوم شود از مشترکین عظام خواهشمندیم که در اخذ شماره سوم قیمت سالیانه را بدهند و قبض چاپی اداره بگیرند و از وکلای محترمین هم خواهشمندیم که در همان شماره مطالبه قیمت نمایند تا ضرر زیاد به اداره نخورد اگر در این سال هم بد معامله پیدا کردیم در سال سوم قیمت سالیانه را حتماً نقد خواهیم گرفت عنوان اداره همان عنوان سال گذشته است (اصفهان مدرسه صدر نزد سید محمدعلی داعی الاسلام برسد)».

گاه این درخواست از مشترکان با عنوان «شکایت» در سر مقاله آمده است. از جمله در شماره ۸ سال دوم، ص ۱۱۳ که به این شرح است:

«... و از جماعتی از مشترکین شیراز جنت طرار متعجبیم که بعد از گرفتن یکسال و کسری از رسالات الاسلام در ادای قلیل قیمت سالیانه ابا نمودند و رسالت ماخوذه را هم رد نکرده اند اینکه بر ارباب بصیرت آشکار است که امر طبع روزنامه علاوه بر قیمت کاغذ و اجرت کتابت و مواجب منشی و فراه و مخارج طبع و کرایه پست به واسطه کامل نبودن چاپخانه های اصفهان و تقلب اجزای چاپ قدر ثلث آنچه از طبع بیرون آید باید دور ریخت کسی هم که تاکنون یک فلس اعانه فرستاده است در این صورت ابا کردن از ادای قیمت بعد از قبول و اخذ در نظر تدین کمال بی انصافی است خوب است اهل ایران از مسلمانان خارج حقیقت تدین را بیاموزند مثل جناب... آقا ملا محمد افشاراف که در وسط داغستان مسکن دارند با اینکه در مدت دو سال هفت نفر اولاد و عیال او به توالی وفات نمودند و خود هم نهایت بی بضاعت شده است بدون مطالبه مبلغ دوازده منات برای قیمت شش دوره سال اول و دوم فرستاده است. جزء... عن السلام خیر اعجبت از همه کلام آن شخص محترم است که در عوض ادای قیمت فرمودند (اینکه نه روزنامه است نه شب نامه است پس چه ثمر برای دنیا و آخرت دارد که قیمت بدهم) چون شیرازی نبود بلکه مأمور امری است در شیراز چنین گفت و گر نه اهل شیراز دین نامه و اسلام نامه را مفید دنیا و آخرت می دانند چنین کسی در شیراز دوام نمی کند زود می رود». در ادامه این گلابه در سال سوم، شماره دوم، صفحه ۳۲ نیز توضیح زیر را آورده اند:

«این چند کلمه بر حامیان جریده مقدسه الاسلام مکشوف باد که این اوراق ملیه در هر نمره



• صفحه نخست یکمین شماره نشریه الاسلام

ماهیاره یک سنگ که عبارت از هفتصد نسخه است از طبع بیرون می آید و چهار صد نسخه از آن می ماند فقط سیصد نسخه منتشر می شود از میان سیصد نفر مشترکین هم بسیاری با کمال بی شرمی از ادای قلیل قیمت سالیانه مضایقه می کنند اگر برادران ایمانی ما لا اقل این هفتصد نسخه را می گرفتند و قیمت می دادند برای هر یک ادای یک تومان اشکالی نبود و ضمناً خدمتی از اداره به دین مقدس اسلام می شد از باب کیاست گویند مظلوم ترین اهل عالم آنند که در مقابل دشمنان دانا به امیدواری دوستان نادان دفع شر کنند فی الحقیقه امر اهل اسلام زمان ما از غفلت گذشته و می شود گفت به درجه جنون و حماقت رسیده است ابداً به ضرر و حال عاقبت و مأل خود پی بردند و در کمال غرور و مستی و جهل خود پرستی اند [...]. ای که دستت می رسد کاری بکن پیش از آن که تو نیاید هیچ کار مقصود این است که اگر تاکنون خدمتی نمایان به اسلام نکردیم از سستی و تکاهل برادران بوده از ما و با ایمان با این حال با کمال دلگرمی و امیدواری می کوشیم تا فرج برسد و مدد الهی انصار غیبه مهیا سازد. باری محض مزید توضیح در آخر این سال اسماء مشترکین سه سال را در اوراق الاسلام درج نموده تصریح می نمایم که کدام وجه اشتراک پرداخته و کدام بی غیرتی کردند محمد علی الحسنی داعی الاسلام».

این مجله افزون بر درج گفتگوهای «داعی اسلام» با «داعی مسیحی»، «مکتوبات» (نامه های رسیده از کاشان، بمبئی، تهران، قمشه، اردستان و...)، «مقاله ها»، «شرح حال فخر الاسلام» برگرفته از کتاب انیس الاعلام فی نصره الاسلام، «شرح حال رکن الملک نایب الحکومه اصفهان به قلم ادیب

التجار»، کتاب خلاصه الکلام فی افتخار اسلام - به صورت پاورقی - و «اعلانها»، دربردارنده گزیده مطالب نشریات دیگر مرتبط با موضوع مجله است. نمونه این مطالب با عنوان «کلمات نورانی» «منقول از نمره ششم از جریده مبارکه دعوة الحق» به این شرح است: از جمله اروپاییان متمدن که به شرف اسلام نایل گردیده‌اند جناب شیخ عبد... کیلیام افندی شیخ الاسلام جزایر بریطانیای عظمی می‌باشد این شخص یکی از دانشمندان انگلند و دارای نطقی بس فصیح و قلمی بسیار بلیغ و شیرین است از بدو سن تحصیل علوم متنوعه نموده مدتی تحصیل قرآن و احکام و احادیث کرده در مملکت انگلستان شروع به تبلیغ نمود دچار موانع و مخاصمات سختی گردید تا بالاخره جمعیت کثیری از زحمات وی مسلمان گردیده‌اند و خود مشارالیه را به سمت ریاست اسلام در انگلستان اختیار نموده او را شیخ الاسلام انگلستان نامیده‌اند همچنین مسجد بسیار خوبی با کتابخانه و قرائت‌خانه و موزه محض مسلمین بپا نموده دائماً در صدد ازدیاد و انتشار دین اسلام در مملکت انگلستان گردید خود مشارالیه کتابهای متعدده در حقانیت اسلام و اثبات آن نگاشته و به طبع رسانیده و ما چند جلد آن را محض اطلاع در این موقع تذکر می‌نماییم نمره ۱ دین اسلام [۱] نمره ۳ تحقیقات در باب اسلام [۲] نمره ۴ غیرت و غیر تمندان. همچنین روزنامه هفتگی موسوم به الهلال و روزنامه دیگر ماهیانه به اسم اسلام به زبان انگلیسی ایجاد نموده مدتی است طبع و منتشر می‌نماید مقالات مفید شیرین و حکایات دلنشین دارند....»

از نخستین مجله اسلامی ایران در سال دوم مجموعاً ۱۹۲ صفحه در ۱۲ شماره منتشر شده است. و شماره یکم از سال سوم آن تاریخ «شهر ذیقعد الحرام ۱۳۲۲ هجری» را دارد. در سال سوم انتشار نشریه چون محمدعلی داعی الاسلام قصد سفر به مکه را داشته است، جانشینان خود را برای اداره امور مجله تعیین کرده است: در شماره ۹ این سال زیر عنوان «حج» نوشته‌اند:

«قرتبیات اداره در غیاب بنده چنین است جناب مستطاب شریعتمدار آقا میرزا عبدالحسین امام جماعت حسین آباد نایب بنده است در صفاخانه مقدسه که به ترتیب مقرر در روزهای جمعه و یکشنبه برای گفتگو با مسیحیان و یهود حضور دارند اشخاصی را که با صفاخانه مقدسه کار است به ایشان رجوع نمایند. شماره‌های الاسلام بدون تعطیل ماهیانه به طبع می‌رسد و مانند سابق انتشار می‌یابد و کالت مرکزیه الاسلام در اصفهان هنگام غیاب با جناب معارف نصاب آقا عبدالحسین ارباب دام عزه است که وکالت سایر جزایر فارسیه را هم دارد از تاریخ حرکت بنده حساب مشترکین اصفهان با ایشان است. حساب وکلای سایر ولایات کما فی السابق با مدرسه صدر اصفهان است در آن جا جناب مستطاب عمده‌العلماء الاعلام آقا میرزا عباس نجل جناب آقا میرزا عبدالحسین خوشنویس دام بقائها به نیابت بنده تشریف دارند و به اصلاح امورات سعی دارند البته در این سفر عبادت تا هنگام مراجعت شیوه دعوت هم از دست نخواهد رفت و وقایع هر شهر در شماره‌های الاسلام به نظر خوانندگان عظام خواهد رسید اقل الانام محمدعلی الحسنی داعی الاسلام».

داعی الاسلام تدبیری اندیشیده است تا پس از او مجله تعطیل نشود. و با اینکه وی در اصفهان

نبوده اما مطالب دو شماره را آماده سازی کرده است. در (شماره ۱۰ سال سوم شعبان المعظم ۱۳۲۳ ق) زیر عنوان «اظهار» آورده است:

«چنانچه مکرر در شماره های الاسلام قرین بیان ساختم گفتگوهایی که در این چند سال قیام اداره صفاخانه مقدسه با دعوات عیسویه نمودم مضبوط است اگر روزنامه شود سالها به اتمام نمی رسد و جریده ماهیانه کفایت درج آن را نمی دهد چه رسد که برای کسل نشدن طبع خواننده درج متفرقات هم لازم باشد لیکن چون ابنای ملت حقه ما تاکنون لذت توسعه و انتشار ملت و امر دعوت را نچشیدند از این جهت به اداره ما کمک ندادند بلکه در این سفر سعادت اثر مسلمانان غیور پیدا کنیم و به همراهی این امر مقدس استمداد نماییم گفتگوهایی که در ایام مسافرت درج می گردد همان گفتگوهای سابق احقر می باشد و ملاحظه الاسبغ فالاسبغ می شود لیکن گفتگوی با مجلس از ماه گذشته در این شماره مقدم آید به این جهت که چون جناب مستطاب ادیب اربیب فاضل فیلسوف دانشور کامل آقای حسینی المتخلص به فرصت شیرازی حفظه الله تعالی و ادام افضاله در ماه گذشته وارد اصفهان نزهت بنیان شدند و روزی از روزهای گفتگوی احقر با دعوات عیسویه را حضور داشتند مناسب دیدم آن گفتگو را در این شماره درج کنم و هو هذا...»

با انتشار این شماره، سال سوم این نشریه پایان می یابد. گفتنی در سال سوم جمعا ۱۹۲ صفحه از این نشریه منتشر شده است. نخستین شماره سال چهارم این نشریه در ذی قعدة الحرام ۱۳۲۳ ق در غیاب محمدعلی داعی الاسلام انتشار یافته است. در صفحه دوم این شماره زیر عنوان «اخطار و اعتذار» می خوانیم:

«چون حضرت مستطاب شریعتمدار آقای داعی الاسلام مدظله العالی بعد از حرکت از اصفهان به عزم حج بیتا... الحرام در مدت اقامت در شیراز جهت طراز دو نمره اخیر سال گذشته را خود صورت فرستادند که به نظر مشترکین غیور دین دار لابد رسیده ملاحظه فرموده اند لهذا این خاکپای مسلمانان قدری انتظار بردم که برای این نمره هم از خودشان صورتی برسد از این جهت قدری طبع این نمره دیر شد ولی چون علایق و اشکالات سفر بسیار است که همه کس می دانند پس لازم شد که با کمال بی بضاعتی از مراتب علمی و عدم اطلاع از فن شریف انشاءات و قلت مجال به واسطه تحریر این جمله آقایان عظام مشترکین فخام را از انتظار بیرون آورم این گفتگویی است که احقر عبدالحسین الموسوی در غیاب آقای داعی الاسلام با یکنفر از مسیحیان که غیر از کشیش و داعیان است نموده ام ولی مشارالیه از اهل اطلاع و یگانه غیور در مسیحیت است پس به همین طریق سابق داعی الاسلام و داعی مسیحی مرقوم می شود.»

اگرچه مرحوم محمد صدر هاشمی صاحب اثر ارزنده تاریخ جراید و مجلات ایران (اصفهان، کمال، ۱۳۶۳) نوشته است که با انتشار «شماره دوازدهم سال دوم دوره الاسلام در اصفهان پایان یافته است» (ج ۱، ص ۲۳۷). اما با این نوشته درمی یابیم که الاسلام در اصفهان قدم در سال چهارم هم گذارده است و هم اکنون نیز شماره سوم سال چهارم آن در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه

باری محمد علی داعی الاسلام پس از سفر حج راهی بمبئی شد و در آن شهر «اداره دعوت الاسلام» را بنیان نهاد و مجله‌ای نیز با نام دعوت الاسلام به دو زبان فارسی و اردو در رمضان سال ۱۳۲۴ ق در ۱۶ صفحه به قطع خشتی انتشار داد. داعی الاسلام دلیل انتقال «اداره» و «مجله» را به بمبئی برای مجلهٔ چهاره‌نما (سال ۲، ش ۱۹، ۱۰ ربیع الاول ۱۳۲۴ق) این چنین نگاشته است: «اخطار»:] داعی الاسلام از بمبئی احسب الناس ان بترکوان يقولو آما وهم لایفتنون... بسیاری از برادران از مشقت احقر در احداث دعوت اسلامیه در اصفهان و اجرای جریده مقدسه الاسلام اطلاع دارند که در این قریب چهار سال چه رنجها بردم و چه زحمت‌ها کشیدم تا فی الجمله جریانی دادم تم از رنج این قضیه گداخت ساختم آن چنان که نتوان ساخت. اکنون که از حج بیت‌المقدس الحرام مراجعت کردم به بمبئی آمدم و از برادران وطن و دین مشورت می‌کنم که اگر صلاح است شعبه دعوت اسلامیه در این سامان دایر گردد و علاوه بر ادای تکلیف عقلی و دین افتخار برای ملت ایرانیه باشد به این قسم که مجلسی برای آمدن اهل ملل در تحقق حقایق اسلام دایر باشد و جریده ملتی طبع گردد و مانند کشیشان و دعوات عیسویه در گذرهای عمومی به زبان انگلیسی و پس از تعلیم هندوستانی به آن هم دعوت کنم. چون احقر قبل از این سفر به این بلد نیامده بودم و از ترتیبات این سامان بالکل بی‌خبر هستم خواهشمندم مسلمین را از این امر مرا مطلع سازند.»